



اگر تعادل بین ظاهر و باطن امور برقرار شود، انسان به تکامل می‌رسد

دینانی چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: امروزه انسان بیشتر از اینکه به باطن توجه داشته باشد، به ظاهر توجه دارد. اگر اندکی تعادل بین ظاهر و باطن امور انجام شود، انسان به تکامل می‌رسد.

دینانی چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: امروزه انسان بیشتر از اینکه به باطن توجه داشته باشد، به ظاهر توجه دارد. اگر اندکی تعادل بین ظاهر و باطن امور انجام شود، انسان به تکامل می‌رسد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت» که از شبکه چهار ۳ پخش می‌شود، در تفسیر اشعاری از مولوی اظهار داشت: همه عالم وجه حق است. وجه یعنی صورت. به هر طرف که روی بیاورید، به وجه حق روی می‌آورید. خداوند دارای صفات است و هر صفتش، مظهر دارد. صفت وقتی ظاهر می‌شود، در مظهر ظاهر می‌شود. هر موجودی در این عالم، مظهري از صفات حق تبارک و تعالی است.

وی با بیان اینکه خداوند دارای صفات ذات و فعل است، گفت: خداوند در صفات فعل، می‌آمزد و بخشش می‌کند، البته صفاتی هم دارد که صفات ذات است. صفات ذات عبارتند از علم، حیات، قدرت و اراده. خداوند حیات یعنی زنده است؛ زنده ی مطلق، علم و قدرت مطلق. اراده حق تعالی هم مطلق است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: امور ممتنع، نشدنی است. بین ممکن و ممتنع تفاوت اساسی وجود دارد. ممتنع، نشدنی است.

ابراهیمی دینانی با اشاره به اینکه فرشتگان عالم زیاد هستند اما بیشتر مردم فقط جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل را می‌شناسند، با طرح این سوال که چرا فقط همین چهار اسم شناخته شده هستند، گفت: این چهار اسم، مظهر چهار صفت حق هستند؛ حیات، علم، اراده و قدرت. مهمترین صفات در انسان ها همین چهار صفت هستند. جبرئیل مظهر علم حق تعالی است که وحی را می‌آورد. اسرافیل مظهر حیات، میکائیل مظهر اراده و عزرائیل مظهر قدرت است. کل عالم، ظهور حق تعالی است و همه چیز جلوه حق تعالی است.

وی تصریح کرد: ما ظاهر این عالم را می‌بینیم. علم امروز از یک جهت ثابت است و از جهت دیگر، متحول است. برخی افراد می‌گویند در کهکشان هیچ چیز تازه نیست. در مقابل این نظر، نظر دیگری هم وجود دارد که می‌گوید هر چیزی که مشاهده می‌شود، تازه است بنابراین عالم به یک معنی، کهنه‌ترین و به معنی دیگر، تازه‌ترین است.

چهره ماندگار فلسفه با طرح این سوال که عمر زمان چقدر است، افزود: هر چیزی را با زمان تعیین می‌کنند، چرا که زمان قدیمی‌تر از هر چیز دیگری است و این قدیمی‌ترین چیز، خودش تازه‌ترین چیز است. حرکت متحول است اما در این تحول دائم، بقا است. انسان هم زمانمند است و هم محدود زمان؛ زمانمند بودن خودش را می‌داند و به ابدیت فکر می‌کند.

ابراهیمی دینانی با بیان اینکه بسیاری از چیزهایی که در تاریخ برای ما نقل شده است، جنبه اسطوره‌ای دارد، اظهار داشت: اسطوره یعنی حقیقت نیست. حقیقت و اسطوره مقابل هم قرار دارند. چه اسطوره‌ای است که از یک حقیقت حکایت نکند؟ حقیقتی در پشت هر اسطوره نهفته است. عالم پر از حقیقت است. اگر چشم حقیقت بین باشد، از ظاهر اسطوره‌ها می‌تواند به حقیقت برسد. متأسفانه چشم باطن بین بشر امروز ضعیف شده است.

وی ادامه داد: مردم دنیای امروز به ظاهر بیشتر توجه دارند. در گذشته به همان اندازه که ظاهر دیده می‌شد، باطن هم دیده می‌شد. امروزه انسان بیشتر از اینکه به باطن توجه داشته باشد، به ظاهر توجه دارد. اگر قدری تعادل بین ظاهر و باطن امور برقرار شود، انسان به تکامل می‌رسد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه افزود: اگر همه حقیقت ظاهر شود، هیچ چیز باقی نمی‌ماند. حقیقت جلوه دارد و جلوه هایش هلالی و مدور است و صعود و نزول دارد. متأسفانه بشر امروز خلوت با خودش کم دارد.

ابراهیمی دینانی با اشاره به اینکه وسعت خیال به اندازه ای است که از عقل بیشتر است، گفت: عقل می گوید محال، محال است. محال یعنی نشدنی ولی خیال به محال و عدم هم می اندیشد؛ البته این شیطنت خیال است. خیال، قدرت ساختن دارد. کسی که اهل تخیل است، برایش همه چیز تازه است البته غرق شدن در عالم خیال خطرناک است. بهتر است انسان تخیل کند ولی در خیال نماند.

وی تصریح کرد: پیشرفت علوم به دلیل تخیل است و شگفت انگیز است. اگر انسان قدرت خیال نداشت، علوم پیشرفت نمی کرد. بدون تئوری و پیش فرض، چیزی در آزمایشگاه حاصل نمی شود. انسان با فرض و خیال، فرض را آزمایش می کند. تمام علوم با حقایقی که دارند، پیشرفتشان را مدیون خیال هستند. با این حال ما نباید در عالم خیال فرو بمانیم.

چهره ماندگار فلسفه در پایان خاطرنشان کرد: انسان موجود طبیعی است. اگر از طبیعی بودن خود فرا نرود و به علم و آگاهی نرسد، در حد طبیعی باقی می ماند. انسان باید همواره در تحول باشد. عالم، عالم تحول است. تحول خصلت این عالم است.